



Ethical Components in Forough Farrokhzad's Utopia

B. Etemad Golestani¹, J. Mehraban Ph.D.^{2*}, R. Ashraf Zadeh Ph.D.²

1. Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. Dept. of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

Background: One of the oldest dreams of mankind is to achieve an ideal and desirable life, which is reflected in the scope of contemporary Persian poetry and literature. Because it is considered a human desire and literature also reflects a part of the human kind's desires. Among the contemporary poets, Forough Farrokhzad has spoken about an ideal world that has various moral components. The aim of the current research, which was compiled based on library sources and descriptive-analytical method, is to investigate these components.

Conclusion: Forough's intended world becomes objective and attainable when morality appears in it and people behave according to moral and clerical standards. The most important moral characteristics of this utopia are: condemnation of this world and praise of the ideal world; realization of security and social justice; Attention to transcendental love and condemnation of earthly lovers; condemnation of patriarchal anti-moral culture; Condemnation of hypocrisy and lack of sincerity; The internal union of people with each other.

Keywords: Forough Farrokhzad, Poetry, Utopia, Moral components

***Corresponding Author:** J. Mehraban, Dept. of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: drjavadmehraban@gmail.com

How to cite: B. Etemad Golestani, J. Mehraban, R. Ashraf Zadeh. Ethical components in Forough Farrokhzad's utopia. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(2): 57-62.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مؤلفه‌های اخلاقی در آرمان‌شهر مورد نظر فروغ فرخزاد

بنفشه اعتمادگلستانی^۱، دکتر جواد مهربان^{۲*}، دکتر رضا اشرف‌زاده^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶)

چکیده

زمینه: یکی از دیرینه‌ترین آرزوهای بشر، رسیدن به زندگی آرمانی و مطلوب است که در گستره شعر و ادب فارسی معاصر هم نمود دارد؛ زیرا خواسته‌های انسانی به شمار می‌رود و ادبیات هم، بازتاب دهنده بخشی از خواسته‌های نوع بشر است. فروغ فرخزاد در میان شاعران معاصر، از دنیایی آرمانی سخن به میان آورده است که دارای مؤلفه‌های گوناگون اخلاقی است. هدف پژوهش حاضر که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، بررسی این مؤلفه‌ها است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دنیای مورد نظر فروغ زمانی به عینیت می‌رسد و قابلیت دستیابی پیدا می‌کند که اخلاقیات در آن نمود پیدا کند و انسان‌ها با توجه به سنجه‌های اخلاقی و منشی رفتار کنند. مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی این آرمان‌شهر عبارت است از: نکوهش این دنیا و ستایش دنیای آرمانی؛ تحقق امنیت و عدالت اجتماعی؛ توجه به عشق متعالی و نکوهش عاشق‌نماهای زمینی؛ نکوهش فرهنگ ضد اخلاقی مردسالاری؛ نکوهش ریاکاری و عدم خلوص نیت؛ اتحاد درونی افراد با همدیگر.

کلید واژگان: فروغ فرخزاد، شعر، آرمان‌شهر، مؤلفه‌های اخلاقی.

سر آغاز

این شهر خیالی، آرمان‌شهر نامیده می‌شود و با وجود تفاوت‌های کم و زیاد در جزئیات، در گستره ادبیات و فرهنگ همه ملت‌ها نمود یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که نوع بشر با ترسیم چنین شهرهایی، ضمن ابراز نارضایتی نسبت به شرایط زندگی خود، در پی تحقق آمالش برای رسیدن به سعادت حقیقی بوده است.

اندیشه آرمان‌خواهی از آنجا که مفهومی انسانی است، در گستره شعر هم بازتاب دارد. «نظریه‌های عملی، هنر را وسیله‌ای برای نیل به برخی آرمان‌ها تعریف می‌کنند. این آرمان‌ها می‌توانند اتحاد ملل جهان، فراخوانی بشریت به خداخواهی یا بهبود بخشیدن به باورهای اخلاقی مخاطبین هنر و ادب و ... باشد» (۱) شاعران در جامعه زندگی می‌کنند و با نگاهی به دنیای اطراف، کاستی‌های آن را درمی‌یابند. در نتیجه، سعی می‌کنند در سروده‌های خود این کمبودها و محرومیت‌ها را انعکاس دهند و در برابر، مطلوبیات خود را هم شرح دهند.

در گستره شعر و ادب فارسی، فروغ فرخزاد تحت تأثیر باورهای غربی و شرقی، از شهر مورد نظر خود در دیوان اشعارش یاد کرده است. اشاره به ویژگی‌های این شهر، بازتاب‌دهنده دغدغه‌های آرمان‌خواهانه این شخصیت ادبی معاصر است.

جوامع بشری از زمان شکل‌گیری تا کنون فراز و نشیب‌های مختلفی را از سر گذرانده‌اند و با چالش‌های خرد و کلان بسیاری روبه‌رو شده‌اند. نوع بشر برای رسیدن به زندگی مطلوب با تکیه بر مؤلفه‌های اخلاقی^۱، محیطی بی‌نقص و کامل به نام آرمان‌شهر^۲ را برای خود تصور کرده است. با وجود همه کوشش‌هایی که نیاکان ما برای رشد و تعالی سطح کیفی زندگی دنیایی و نیز، پرورش مفاهیم روحانی و تحقق امنیت^۳ و عدالت اجتماعی^۴ انجام داده‌اند، اما همچنان شاهد بروز فتنه‌ها و معضلات فراوانی هستیم. این مشکلات گاهی کیان و حیات یک قوم یا ملت را به خطر انداخته و گاهی بساط تمدنی آن جماعت را پرچیده است. در این بین، همواره افرادی بوده‌اند که با دیدن چنین اوضاع نابسامانی در اندیشه ترسیم جامعه‌ای آرمانی و به دور از پلشتی و هرج و مرج برآمده‌اند. سرزمینی که در آن همه انسان‌ها در کنار هم و با صلح و آرامش زندگی می‌کنند و قوانین اجتماعی و اخلاقی به خوبی رعایت می‌شود و هرگز ظلمی رخ نمی‌دهد و سطح رفاه ساکنان آن برابر است و کیفیت اداره آن مبتنی بر مردسالاری^۵ یا دیگرستیزی نیست.

شده است. در مجموع، پدید آوردن یک آرمان‌شهر روی زمین و تداوم آن، رؤیای تحقق‌نیافته تمامی ملت‌ها محسوب می‌شود.

آموزه‌های اخلاقی در آرمان‌شهر مورد نظر فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد در دیوان اشعار خود از مقوله‌های بسیاری سخن می‌گوید. سروده‌های او از لحاظ فکری و محتوایی دارای تنوع هستند. او صرفاً به بازگفت دغدغه‌های شخصی و عاشقانه‌اش بسنده نکرده و رویکردهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، دینی، فرهنگی و ... را بازتاب داده است. این امر نشان از آن دغدغه‌مندی‌های فردی و جمعی شاعر دارد. یکی از سویه‌های اصلی اشعار او، اخلاقیات است. «آنچه که از فرخزاد باقی مانده است، هر کدام جستجوی صادقانه‌ای در دنیایی و کوششی است برای بینش پیدا کردن. به همین علت ... خواننده فرخزاد همراه او صادقانه بینش پیدا خواهد کرد». (۵) یکی از نمودهای اصلی این بینش، اندیشیدن درباره دنیایی آرمانی و مطلوب است. شاعر زمانی که از چنین دنیایی سخن می‌گوید، سعی می‌کند ویژگی‌های مختلف آن را شرح دهد. پرداختن به اخلاق و پرهیز از کج‌اخلاقی^{۱۳}‌هایی که در جهان کنونی دیده می‌شود، در آرمان‌شهر مورد نظر او برجسته به نظر می‌رسد. در ادامه به اصلی‌ترین سویه‌های اخلاقی جهان آرمانی شاعر پرداخته می‌شود.

۱. نکوهش این دنیا و ستایش دنیای آرمانی

یکی از سویه‌های اخلاقی در شعر فروغ، نکوهش دنیا و مظاهر آن است. این طرز فکر را می‌توان تداوم سنت اخلاقی گذشتگان دانست. به طور کلی، در گستره شعر فارسی، دنیا سیمای مطلوبی ندارد و به عنوان منشأ پلشتی‌های اخلاقی شناخته می‌شود. در این راستا، فروغ نیز، این جهان را نکوهش می‌کند و حضور در آن را مطلوب نمی‌داند؛ زیرا مملو از بی-اخلاقی‌ها و ناشایستگی‌هایی است که کیفیت زندگی را همراه با رنج و دشواری می‌سازد. از این رو، آرمان‌شهری اخلاق‌محور را تبیین می‌کند تا بتواند در آن، خوشی‌های زندگی را تجربه کند. دنیایی که در آن به آرامشی جاویدان دست پیدا می‌کند و شادی در سراسر زندگی او خودنمایی می‌کند.

عاقبت یک روز / می‌گریزم از فسون دیده تردید

می‌تراوم همچو عطری از گل رنگین رؤیاها / می‌خزم در موج گیسوی نسیم شب

می‌روم تا ساحل خورشید / در جهانی خفته در آرامشی جاوید

نرم می‌لغزم درون بستر ابری طلایی‌رنگ / پنجه‌های نور می‌ریزد بخ روی آسمان

شاد

طرح بس آهنگ. (۶)

در شعری دیگر، فروغ دنیایی را به تصویر می‌کشد که ورای این جهان قرار دارد و معمولاً در خواب خود را نشان می‌دهد. کسانی که راهی این جهان آرمانی می‌شوند، از دلمردگی‌های این دنیا به دور هستند. از دید فروغ، هر اندازه آن دنیا سرشار از مظاهر زندگی‌بخش است، این دنیا همراه با کج‌اخلاقی‌ها و نامطلوبیات است. شاعر با ترسیم دو دنیای آرمانی و پادآرمانی در تلاش است تا مخاطبان خود را با سویه‌های زندگی مطلوب و غیرمطلوب آشنا کند.

او از دنیایی که در آن زندگی می‌کند، رضایت درونی ندارد. از این رو، ضمن نقد آن، از جهانی موازی سخن می‌گوید که از لحاظ اخلاقی، کاستی ندارد و شرایط در آن به گونه‌ای رقم می‌خورد که انسان، حیاتی نیکو و مطلوب را تجربه می‌کند. دنیایی که اخلاقیات در آن نمود دارد و شاخصه‌های مرتبط با خلق و خوی نیکو، در اولویت قرار گرفته است. مسأله اصلی تحقیق حاضر، نگاهی به ابعاد اخلاقی آرمان‌شهر توصیف-شده از سوی فروغ فرخزاد و مقایسه ضمنی آن با دنیای کنونی است تا جایگاه مؤلفه‌های اخلاقی در هر دو جهان، بررسی شود. در تحقیق حاضر به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود: الف) آرمان‌شهر مورد نظر فروغ چه ویژگی‌های اخلاقی دارد؟ ب) کیفیت اخلاق در دنیای کنونی و آرمانی چه تفاوت‌هایی دارد؟

بحث

مفهوم آرمان‌شهر

آرمان‌شهر اصطلاحی برگرفته از واژه یونانی یوتوپیا است که توماس مور^۸ آن را ساخته است و از ریشه اوتوپوس^۹ به معنای هیچستان^{۱۰} می-آید که کنایه‌ای هنری و طنزآمیز از خوبستان^{۱۱} در آن دیده می‌شود. (۲) آرمان‌شهر که نام‌های دیگری همچون مدینه فاضله، جهان مطلوب، ناکجاآباد و ... دارد، «جامعه‌ای است خیالی که باشندگان آن در شرایط کامل می‌زیزند. جایی است دست‌نیافتنی که تصور آن همواره در افق آرزوی بشر نمونه خیر برین و زیبایی و رستگاری بوده است». (۳) دستیابی به سعادت حقیقی یکی از انگیزه‌های اصلی بشر برای ابداع چنین شهری بوده است. اندیشه کمال‌طلب نوع بشر او را بر آن داشته است تا از شهری سخن بگوید که هنوز بر روی زمین ساخته نشده است.

توجه به آرمان‌شهر و چهارچوب‌های کلی آن، به حوزه ادبیات راه یافته و شاخه‌ای به نام ادبیات آرمان‌شهری یا یوتوپایی^{۱۲} پدید آمده است. در ادبیات شرق و غرب، شخصیت‌های گوناگونی از آرمان‌شهر سخن گفته-اند و در آثار منثور و منظوم خود به تشریح و تبیین مشخصات آن پرداخته‌اند. از آنجا که نیل به سعادت و رسیدن به زندگی آرمانی، خواسته و آرزوی نوع بشر است، بدیهی است که در ادبیات بسیاری از ملت‌ها شاهد حضور و بروز این موضوع باشیم. مؤلفان *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی* در توضیح ادبیات آرمان‌شهری، این اصطلاح را به «هر اثر داستانی فلسفی، مذهبی و سیاسی نسبت داده‌اند که تصویری خیالی از دنیایی به دست می‌دهد که در مقایسه با دنیای واقعی، جنبه آرمان-خواهانه دارد». (۴) افلاطون، نخستین شخصیتی بود که در کتاب *جمهوری*، به طور هدفمند موازین و معیارهایی اصلی برای ایجاد یک شهر آرمانی ذکر کرده است. البته، نگرش افلاطون بیشتر سیاسی و اجتماعی است. اندیشه‌های آرمان‌شهری افلاطون در ایران با ترجمه آثار او رواج پیدا کرد و فارابی از مدینه‌ای فاضله سخن به میان آورد که با موازین و ویژگی‌های دینی سازگاری دارد. در فرهنگ شیعی نیز، جامعه-ای که در آن حضرت مهدی(عج) به حکومت می‌رسند، آرمانی دانسته

ماهی تو آب می‌چرخه و ستاره دست‌چین می‌کنه / اونوخ به خواب هر کی رفت
خوابشو از ستاره سنگین می‌کنه / می‌برتش می‌برتش
از توی این دنیای دلمرده چاردیواری / نق نق نحس ساعت، خستگی، بیکاریا
دنیای آتش رشته و وراجی و شلختگی / درد قولنج و درد پرخوردن و درد اختگی ...
دنیای صبح سحرا / تماشای دار زدن / نصف شب / رو قصه آقا بالاخان زار زدن ...
می‌برتش می‌برتش از توی این همه همبونه کرم و کثافت و مرض
به آبیاری پاک و صاف آسمون می‌برتش / به سادگی کهکشون می‌برتش. (۶)

۲. تحقق امنیت و عدالت اجتماعی

عدالت یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی در بیشتر جوامع انسانی محسوب می‌شود و آن را یکی از پایه‌های چهارگانه اخلاق دانسته‌اند. (۷) دنیایی که فروغ به آن اشاره می‌کند، از امنیت و دادگری اجتماعی برخوردار است. در این دنیا حقوق کسی تضییع نمی‌شود و باشندگان آن از امنیت جانی برخوردار هستند. به طور کلی، «در زندگی اجتماعی، رعایت حقوق همجواری انسان‌ها امری بدیهی است». (۸) از دید فروغ، او در دنیایی زندگی می‌کند که در آن عدالتی وجود ندارد و از حقوق مطلوبی برخوردار نیست. او باور دارد که چنین دنیایی عاری از اعتماد بینافردی است و پیوندهای میان مردم دچار اختلال شده است.

وقتی که اعتماد من از ریمان سست عدالت آویزان بود
و در تمام شهر قلب چراغ‌های مرا تکه‌تکه می‌کردند. (۶)

فروغ با شخصیت‌سازی و اشاره به تجربه‌های فردی به نام علی، از دنیایی موازی سخن می‌گوید که در حکم آرمان‌شهر است و در آن نشانی از پلشتی‌های دنیای کنونی نیست. مدینه فاضله‌ای که کمی دورتر از این جهان است و در آن، سبزه‌زاری سبز و دریای دل‌انگیز وجود دارد. در این جهان مطلوب، گله‌های گوسفند بدون حضور چوپان در حال چرا هستند و هرگز خطر ربوده‌شدن و دریده‌شدن را احساس نمی‌کنند. بنابراین، در این آرمان‌شهر هم انسان‌ها و هم غیرانسان‌ها در امان هستند و نور و زندگی و امید بر کلیت آن حاکم است.

من توی اون تاریکیای ته آیم به خدا / حرفمو باور کن علی / ماهی خوابم به خدا
دادم تمام سرسرا رو آب و جارو بکنن / پرده‌های مرواری رو اینرو و اونور بکنن ...
سه چار تا منزل که از اینجا دور بشیم / به سبزه‌زارای همیشه سبز دریا می‌رسیم
به گله‌های کف که چوپون ندارن / به دالونای نور که پایون ندارن. (۶)

فروغ در دوره‌های پایانی اشعار خود سعی می‌کند جامعه را دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهد. او با نگاهی انتقادی به مطلوبیات و محرومیت‌های جامعه زمان خود می‌اندیشد و با بیانی نمادین و استعاری، آن را به چالش می‌کشد. «شعر فروغ ... سرشار از نمادپردازی است. قطعه‌ای که مثل هیچ کس نیست، نماد جامعه پهلوی دوم است و هر یک از افرادی که از آنها نام برده می‌شود، نماینده یک قشر جامعه هستند» (۹) و مفهومی ظلم‌ستیزانه یا عدالت‌خواهانه را یادآوری می‌کنند. عدالت در بسیاری از سروده‌های فروغ، جایگاهی محوری دارد. با اینکه فروغ را شاعری عاشقانه‌سرا می‌شناسیم، ولی او نشان داده است که دغدغه‌هایی اجتماعی دارد و تحقق موازین و مؤلفه‌های اخلاقی را مورد نظر قرار می‌دهد. از دید او، عدالت و امنیت در روزگار پهلوی دوم به طور کامل تأمین نشده بود. در نتیجه، دنیایی دیگر می‌سازد و خلق می‌کند که بر

اساس سوبیه‌های اخلاقی، خاصه دادگری شکل گرفته است. او باور دارد که برای برهم زدن این اوضاع نامناسب و پدیدآوری جهانی آرمانی، فردی خواهد آمد. کسی که اصلی‌ترین برنامه‌ها و کارکردهای او، برپایی عدالت و تقسیم اموال میان همه مردم خواهد بود. انسانی که با آمدن خود، رفاه را در سطح گسترده‌ای نمودار می‌سازد. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آرمان‌شهر اخلاقی فروغ، منجی‌باوری است.

کسی که از آسمان توپخانه در شب آتش‌بازی می‌آید / و سفره را می‌اندازد
و نان را قسمت می‌کند / و پیسی را قسمت می‌کند / و باغ ملی را قسمت می‌کند
و شربت سیاه‌سرفه را قسمت می‌کند / و روز اسم‌نویسی را قسمت می‌کند
و ثمرهٔ مریض‌خانه را قسمت می‌کند / و چکمه‌های لاستیکی را قسمت می‌کند
و سینمای فردین را قسمت می‌کند / و سهم ما را هم می‌دهد. (۶)

۳. توجه به عشق متعالی و نکوهش عاشق‌نماهای زمینی

عشق به عنوان یکی از پرتکرارترین مفاهیم در گستره شعر فارسی دیده می‌شود. اشعار فروغ هم از این مقوله مستثنی نیست. او در اشعار سال-های پایانی خود «از رویداد عشق و پیوند و آمیختگی دو جسم و زیبایی قدسی آنکه به نماز و ستایشی می‌ماند، به زبانی دیگر سخن می‌گوید، با معشوق یگانه به سرآغاز رستن‌ها و شکفتن‌های ابدی می‌رود ... این جهان تازه ... هم از سرریز غرایز و کشش‌های زیستی سرشار است و هم از گنگی و بی‌واژگی آمیزش بدون عشق برمی‌گذرد. هاله معنایی و فرابرندهٔ عشق در این دوره از شعرسرایي فرخزاد به آن مفهوم معنوی عشق نزدیک می‌شود». (۱۰) بنابراین، عشق هم در سوبیه‌های مادی و زمینی و هم در سوبیه‌های معنوی و کمال‌افزای خود در شعرهای فروغ ظاهر شده است. در دنیای آرمانی فروغ، عشق نوع دوم مورد نظر است. او هم‌خواهی و معاشقه‌های زبانی را کاملاً سطحی می‌داند و با گذار از این مرحله، عشق معناگرا را در آرمان‌شهر مورد نظر خود، رواج می‌دهد و روایی می‌بخشد. بنابراین، عشق در مدینه فاضلهٔ فروغ، جنبه‌ای اخلاقی و معرفت‌افزا پیدا می‌کند و رنگ و بوی انسانی صرف در آن دیده نمی‌شود و انتظار دریافت لذت و صفایی جاویدان از آن، امکان‌پذیر است.

او به فکر لذت و غافل که من / طالبم آن لذت جاوید را
من صفای عشق می‌خواهم از او / تا فدا سازم وجود خویش را
او تنی‌می‌خواهد از من آتشین / تا بسوزاند در او تشویش را. (۶)
فروغ به صراحت اعلام می‌دارد که وقتی از عشق سخن می‌گوید، منظور او تن و جسم معشوق نیست، بلکه مقصد و نیاز او در معنای عمیق و اخلاقی عشق خلاصه می‌شود. او هدف از برقراری پیوندهای دوطرفهٔ انسانی در دنیای مورد نظر خود را رسیدن به ژرفای عشق می‌داند و وصال یار را در حکم مقدمه‌ای برای رسیدن به وصال برمی‌شمارد.
گذشتم از تن تو زانکه در جهان / تنی نبود مقصد نیاز من
اگر به سویت اینچنین دویده‌ام / به عشق عاشقم نه بر وصال تو. (۶)

۴. نکوهش فرهنگ ضد اخلاقی مردسالاری

از جمله مبانی فرهنگی در جامعهٔ دیرسال ایران، رشد مردسالاری است. این فرهنگ دارای مؤلفه‌ها و مصداق‌های بسیاری است که در این بین،

این تضاد و تقابل گفتمان اخلاقی و غیراخلاقی در شعر ذیل به صورت واضح بازنمایی شده است.

آن داغ ننگ‌خورده که می‌خندید بر طعنه‌های بیپوده من بودم
گفتم که بانگ هستی خود باشم / اما دریغ و درد که زن بودم. (۶)

۵. نکوهش ریاکاری و عدم خلوص نیت

فروغ از دنیایی سخن می‌گوید که در آن ریاکاری وجود دارد و انسان‌ها از روی خلوص نیت، رفتار نمی‌کنند. در این دنیا هرگز نمی‌توان به دیگران اعتماد کرد. روابط انسانی به گونه‌ای رقم خورده است که مبتنی بر اعتماد دوسویه نیست. در نتیجه، فروغ از شکل‌گیری این روابط استقبال نمی‌کند و از آن می‌گریزد. رواج ظاهرگرایی^{۱۵} و دور شدن از حقیقت انسانی نقد دیگری است که فروغ نسبت به دنیایی که در آن زیست می‌کند، بیان می‌دارد.

گریزانم از این مردم که با من / به ظاهر همدم و یکرنگ هستند
ولی در باطن از فرط حقارت / به دامانم دوصد پیرایه بستند. (۶)

او در ادامه به وصف جزئیات بیشتری از دنیای نامطلوب فعلی می‌پردازد. دنیایی که سرشار از بی‌اخلاقی‌هاست و می‌توان از آن با عنوان مدینه شرارت یاد کرد. او اعلام می‌دارد که در این پادشاهان شهر، ستاره‌ها نور و روشنایی ندارند و فرشته‌ها در حال گریستن هستند. گل‌ها و شکوفه‌ها هیچ قدر و ارزشی ندارند و اعتبار خار بیابان از آن بیشتر است. همان‌طور که پیداست، همه مؤلفه‌های یک دنیای آرمانی در این جهان، وارونه جلوه‌گر شده و معنایی بازگونه پیدا کرده است. شاعر با این بیان نمادین به وارونگی‌های غیراخلاقی و بی‌ارزش بودن نظام ارزش‌گذاری در دنیای کنونی اشاره می‌کند. جهانی که در آن، دیو دروغ و ریاکاری به مثابه داغ ننگ بر پیشانی آدمیان نشسته است.

اینجا ستاره‌ها همه خاموشند / اینجا فرشته‌ها همه گریانند
اینجا شکوفه‌های گل مریم / بی‌قدرتر از خار بیابانند

اینجا نشسته بر سر هر راهی / دیو دروغ و ننگ و ریاکاری. (۶)

در برابر این دنیای غیراخلاقی و نامطلوب، جهانی مطلوب و آرمانی به تصویر کشیده شده است که در آن، یکرنگی وجود دارد و انسان‌ها خود واقعیشان را بروز می‌دهند. مدینه فاضله‌ای که شاعر وصف می‌کند، با سال‌های کودکی گره خورده است. دورانی که مملو از پاکی، سادگی و صفاست و هیچ غل و غشی در آن دیده نمی‌شود. فروغ که لذت آن روزگار را عمیقاً دریافته بود، آرزو می‌کند که دنیای آرمانی‌اش با همان کیفیت شکل بگیرد. در واقع، بازگشت به گذشته برای فروغ در حکم رسیدن به حیات طیب و اخلاق محور است.

می‌سوزم از این دورویی و نیرنگ

یکرنگی کودکان می‌خواهم. (۶)

۶. اتحاد درونی افراد با همدیگر

در آرمان‌شهر مورد نظر فروغ، افراد یکدست می‌شوند و اگرچه در کالدهای متنوعی حضور دارند، ولی از لحاظ روحی و معنوی، یکی هستند. او بیان می‌دارد که در آرمان‌شهر وی، در عرصه خلقت بشر، وحدت در عین تکثر دیده می‌شود. این بخش از اندیشه‌های آرمان-

نگاه جنسیت‌زده و از بالا به پایین به زنان برجسته به نظر می‌رسد. در این فرهنگ بسیاری از شاخص‌ها غیراخلاقی و در مرحله‌ای بالاتر، غیرانسانی به نظر می‌رسند و در دنیای امروز، اعتباری ندارند. در دوران معاصر و با رشد درک افراد، زنان اجازه ظهور و حضور در عرصه‌های گوناگون را به دست آوردند و با نشان دادن قابلیت‌های خود، بسیاری از پیش‌انگاره‌های جنسیتی را به چالش کشیدند.

نگاه منفی به زنان به عنوان برآیند فرهنگ مردسالاری، در اشعار فروغ نقد شده است. او زنانگی خود را می‌ستاید و آن را یک امتیاز ویژه و مطلوب می‌شمارد. شاعر از زنان می‌خواهد تا با خودباوری و حفظ روحیه، برای برهم زدن نظم مردسالار موجود بکوشند و طرحی نو دراندازند. در چهارچوب‌های فکری فروغ، نگاه منفی و جنسیت‌زده به زنان رنگ می‌بازد و آنها به عنصرهایی تأثیرگذار و مفید در جامعه بدل می‌شوند. او در شعرهای دوره پایانی زندگی خود که بازنماینده بلوغ فکری وی است، ضمن نکوهش شماری از مبانی فرهنگ ضداخلاقی مردسالاری، بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های ویژه زنان تأکید و تکیه می‌کند.

فروغ در دوره کمال شعری خود، «پس از طی یک مرحله خوداندیشی به مرحله دیگراندیشی می‌رسد و از فردیت خاص رابطه به عمومیت جمعی رابطه آدمی و همبستگی با انسان‌ها راه می‌یابد. در این تحول، علاوه بر توجه به عقاید و ارزش‌های فردی، به ارزش‌های آرمانی و اجتماعی روی می‌آورد». (۱۱) از جمله آرمان‌هایی که او برای تحقق آن در جامعه می‌کوشد، القای حس خودباوری به زنان در قفس مانده است. زنانی که از سوی مردان خودکامه محکوم به سکوت و خاموشی شده‌اند و ناگفته‌های بسیاری در دل و جان دارند. فروغ با هطاب قرار دادن مردان خودخواه، از آنها می‌خواهد تا با ایجاد تغییر در نگرش خود نسبت به زنان، زمینه‌های لازم را برای حضور زنان در جامعه فراهم کنند. بنابراین، فروغ خواهان ایجاد کنشگری در مردان و زنان به صورت همزمان است. پرگشودن، پرواز کردن و گل شدن از جمله مصداق‌های عینی و ملموس رشد خودباوری در زنان و رسیدن جامعه مردسالار به این مهم است که جنس مؤنث هم می‌تواند به عنصری پویا و سودمند در جامعه آرمانی نوع بشر بدل شود.

به لب‌هایم وزن قفل خموشی / که در دل قصه‌ای ناگفته دارم

بیا ای مرد ای موجود خودخواه / بیا بگشای درهای فقس را

بیا بگشای در تا پرگشایم / به سوی آسمان روشن شعر

اگر بگذاریم پرواز کردن / گلی خواهم شدن در گلشن شعر. (۶)

فروغ خود را داغ ننگ‌خورده‌ای می‌داند که فضای یک‌سویه‌نگر مردسالار موجب آن شده است. این شخصیت سعی می‌کند در برابر این فضای غیراخلاقی بشورد و با درک درستی از قابلیت‌های خود، در برابر این طعنه‌ها و داغ‌های ننگ ایستادگی نشان دهد و شرایط را به سوی مطلوبیت سوق دهد. با این حال، شرایطی که در پادشاهان شهر^{۱۶} مورد نظر فروغ وجود دارد، مانعی سترگ برای تحقق آرمان‌شهر وی است. به عبارت دیگر، هر اندازه که در مدینه فاضله فروغ، زن بودن ارزش محسوب می‌شود، در دنیای کنونی، زنان جنس دوم و ضعیف هستند.

جهان خود را عاری از این ناهنجاری‌های اخلاقی ترسیم می‌کند. در دنیای او مردمانی زندگی می‌کنند که همواره خود واقعیشان را بروز می‌دهند. در نهایت، فروغ از اتحاد میان همهٔ انبای بشر در آرمان‌شهر مورد نظر خود سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که در عین کثرت، نوعی اتحاد معنوی میان انسان‌ها وجود دارد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Ethical Components	مؤلفه‌های اخلاقی
2. Utopia	آرمان‌شهر
3. Security	امنیت
4. Social Justice	عدالت اجتماعی
5. Patriarchy	مردسالاری
6. Moral Strains	سویه‌های اخلاقی
7. Diwan of poems	دیوان اشعار
8. Thomas Moor	توماس مور
9. Ou-topos	اوتوپوس
10. Nothing	هیچستان
11. Eu-topos	خوبستان
12. Utopian Literature	ادبیات آرمان‌شهری
13. Moral Crookedness	کج‌اخلاقی
14. Anti-Utopia	پادآرمان‌شهر
15. Appearance	ظاهرگرایی

References

1. Rakei F. Ethics in poetry. Ethics in Science and Technology, 2013; 9(3). (In Persian).
2. Aseel H. Utopia in Iranian thought. 1st ed. Tehran: Ney Publishing. 1992. (In Persian).
3. Moore T. Arman Shahr. Translated by Ashuri D, Afshari N. Tehran: Kharazmi. 1982.
4. Mirsadeghi J, Mirsadeghi M. Dictionary of the art of story writing. Tehran: Mehnaz Ketab. 1998. (In Persian).
5. Musharraf Azad-Tehrani M. Intellectual developments of Forough Farrokhzad. collection of essays on the flight remembers; Criticism and analysis and selection of Forough Farrokhzad's poems, by Yousefi-Momghani F, Tehran: Sokhn. 2014. (In Persian).
6. Farrokhzad F. Divan of poems. With an introduction by Jalali B. 5th ed. Tehran: Marwarid. 1997. (In Persian).
7. YariGholi B. Another ethics of Levinas and its implications in education. Ethics in Science and Technology, 2020; 15(1): 1-9. (In Persian).

شهری شاعر را می‌توان برآیند سویه‌های عرفانی افکار وی دانست. او بر این عقیده است که وقتی افراد با هم به اتحاد معنوی برسند، دنیایی آرمانی و مطلوب شکل می‌گیرد و گسست و فاصله‌ای میان افراد دیده نمی‌شود. در این شرایط است که دوستی‌ها جایگزین نفرت‌ها و دشمنی‌ها می‌شود و مناسبات انسانی از جنسی دیگر خواهد شد. فروغ در شعر ذیل اشاره می‌دارد که با آمدن منجی این مؤلفهٔ آرمان‌شهری محقق می‌شود. این منجی، هم نفس و هم صدا با مردم است و گویی یک روح در بدن‌های گوناگون هستند.

کسی می‌آید / کسی می‌آید / کسی که در دلش با ماست
در نفسش با ماست / در صدایش با ماست. (۶).

نتیجه‌گیری

فروغ فرخزاد در بسیاری از شعرهای خود از دنیای سخن می‌گوید که آرمانی است و نمونه و مصداقی از آن در این جهان وجود ندارد. او همواره سعی می‌کند به مقایسهٔ ضمنی این دو جهان بپردازد تا به مخاطبان خود نشان دهد که این جهان نامطلوب و جهان مورد نظر او، آرمانی است. از دید فروغ، جهان آرمانی با مسائل اخلاقی گره خورده و نمی‌توان آن را بدون برخورداری بودن از اخلاقیات تصور کرد. جهانی که در آن، کلیت این دنیا نکوهش شده است. در آرمان‌شهر اخلاقی فروغ، امنیت و عدالت اجتماعی تحقق پیدا کرده و ستم و نابرابری دیده نمی‌شود. همچنین، توجه به عشق متعالی و نکوهش عاشق‌نماهای زمینی دیده می‌شود. در واقع، عشق در سطح زمینی و مادی متوقف نشده و جنبه‌ای مقدس و معنوی می‌یابد. در این دنیای آرمانی، فرهنگ مردسالاری که در آن مصداق‌های ضداخلاقی بسیاری دیده می‌شود، فاقد اعتبار است و زنان دارای حرمت هستند. ریاکاری و نبود خلوص نیت یکی از ضعف‌های اصلی در دنیای کنونی است. در نتیجه، فروغ

8. Shams-Nia MA, Obeid-Nia MA, Khan-Mohammadi MH. Ethics of altruism in the works of Attar Neyshabouri. Ethics in Science and Technology, 2022; 17(1): 14-26. (In Persian).
9. Sheikh M, Rezaei R, Farhadi T. (2015) Comparative study of the concept of savior in the poetry of Forough Farrokhzad and Nizar Qabbani. Journal of Comparative Literature, 2015; 6(22): 68-79. (In Persian).
10. Yavari H. Shame and innocence in Forough Farrokhzad's poetry", collection of essays on the flight remember; Criticism and analysis and selection of Forough Farrokhzad's poems, by Yousefi-Momghani F. Tehran: Sokhn. 2014. (In Persian).
11. Jafari Z, Nosrati A. Comparison of values in the poems of Parvin Etesami, Forough Farrokhzad and Simin Behbahani. Baharestane Sokhan magazine, 2014; 12(28): 79-78. (In Persian).